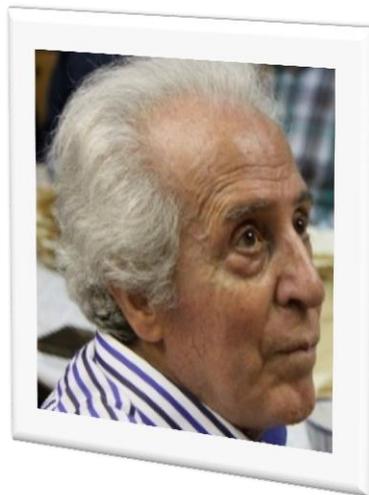


علی بلوکباشی استاد اخلاق و بزرگمردی جلال‌الدین رفیع‌فر^۱



اگر بخواهیم از پیشکسوتان یا بهتر بگوییم از بنیان‌گذاران رشته مردم‌شناسی نام ببریم، قطعاً علی بلوکباشی یکی از آنهاست. در دهه چهل اولین جوانه‌های مطالعات علمی و روشمند این رشته ابتدا در دانشگاه تهران با همت دکتر نادر افشارنادر، جواد صفی‌نژاد، هوشنگ کشاورز و الویا رستروپو... در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی رشد خود را آغاز کرد. سپس در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی امروز که قبلاً وزارت فرهنگ و هنر نامیده می‌شد، مرکز مردم‌شناسی ایران توسط برخی چهره‌های برجسته این رشته از جمله علی بلوکباشی، مصطفی صدیق، هوشنگ پورکریم و محمود خلیقی ریشه گرفت که امروز به صورت درخت تنومندی خودنمایی می‌کند، و در سایه آن مردم‌شناسان بسیاری تربیت شده و رشد کرده‌اند.

استاد علی بلوکباشی در این میان نقشی دوجانبه داشته است. او از یک طرف پژوهش‌های علمی و آکادمیک بسیاری انجام داده، هنوز هم با وجود بازنشستگی، در بالاترین سطح به انجام این پژوهش‌ها ادامه می‌دهد و از سوی دیگر، او بود که ابتدا به عنوان معاون پژوهشی، کار برنامه‌ریزی پژوهش‌های مردم‌شناسی را در مرکز مردم‌شناسی ایران به خوبی سامان داد و به انجام رساند. او به لحاظ ویژگی‌های اخلاقی باارزشی که دارد، توانسته بود به عنوان یک پژوهشگر متعهد و خیره و نیز مدیری باتدبیر و مسئولیت‌پذیر، جایگاه ویژه‌ای کسب کند. در

واقع بلوکباشی اصول اخلاقی را ستون اصلی کارهایش قرار داده است. این ویژگی قطعاً زیرساخت اصلی او در پیشرفت و موفقیت در کارهای علمی و اجرایی‌اش بوده است. آشنایی من با علی بلوکباشی حدود بیست سال پیش آغاز شد، یعنی از زمانی که به عنوان دو عضو در هیأت رئیسه انجمن انسان‌شناسی ایران به دور یک میز می‌نشستیم و با هم به بحث و گفتگو می‌پرداختیم؛ آشنایی که از آن روز تاکنون همچنان در حال گسترش و تعمیق است. در واقع، آشنایی من با بلوکباشی شاید یکی از افتخارات زندگی کاری‌ام به حساب آید. من این بخت را داشتم که در زندگی کاری خود با افراد و شخصیت‌های بزرگی آشنا شوم و با بعضی از آنها افتخار همکاری نیز داشته باشم که بدون تردید یکی از آنها علی بلوکباشی است. در این مدت درس‌های زیادی هم از نظر علمی و هم از نظر اخلاقی از او آموخته‌ام که چراغ راهم شده است.

استاد بلوکباشی نه تنها به عنوان یکی از اعضای هیأت رئیسه انجمن انسان‌شناسی ایران چندین سال با این انجمن همکاری کرد، بلکه همواره یکی از ستون‌های اصلی هیأت تحریریه دوفصلنامه علمی «نامه انسان‌شناسی» است که از آغاز تأسیس این نشریه تاکنون بدون هیچ چشم‌داشتی و در دشوارترین شرایط کاری، دست از همکاری و تشویق ما برای ادامه کار برنداشته و همواره یار و یاور ما بوده است. صراحت، شجاعت و بی‌طرفی او در بیان حقایق و پای‌بندی به اصول آکادمیک و حفظ استقلال در تصمیم‌گیری از ویژگی‌های تحسین‌آمیز استاد بلوکباشی است. همچنین تعهد در انجام وظایف علمی و دقت نظر بدون تعصب و سوءگیری درباره افراد یا جناح‌های مختلف نیز از ویژگی‌های والای شخصیت اوست. بلوکباشی دانش‌آموخته دو دانشگاه تهران و اکسفورد است. او ابتدا تحصیلات خود را در رشته زبان‌شناسی همگانی و زبان‌های باستانی ایران در دانشگاه تهران آغاز کرد و پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد، برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت تا تحصیلاتش را در رشته مردم‌شناسی اجتماعی در دانشگاه اکسفورد، زیر نظر دو مردم‌شناس معروف، ابتدا «اونس پریچارد» و سپس «ریچارد تاپر» به پایان برساند.

بلوکباشی علاوه بر انجام مسئولیت‌های اجرایی متعدد و پُرشمار، دارای تألیفات و ترجمه‌های متعددی است که شرح کامل آنها در این مُجمَل نمی‌گنجد. عمده آثار تألیفی استاد بلوکباشی شامل پژوهش‌هایی است که طی بیش از شصت سال درباره ایران و مردم‌شناسی

ایران انجام داده و موضوع بیشتر آنها درباره فرهنگ عامه، چندین تک نگاری درباره جامعه عشایری و نیز آئین‌های سوگواری (نخل‌گردانی، تعزیه، مطالعه مردم‌شناختی دروايش غرب ایران، عشایر و...) است. چاپ مقالات بسیاری در مجلات علمی و نیز ترجمه کتاب‌های درسی در رشته مردم‌شناسی از دیگر فعالیت‌های باارزش او است.

در بین آثار او چند کتاب بیش از سایر آثارش جلب توجه می‌کند. اولی مقدمه‌ای است که بر کتاب «تاریخ انسان‌شناسی» تألیف توماس هیلند اریکسن و فین سپورت نیلسن نوشته است. در این مقدمه مبسوط، او ابتدا به طور شایسته‌ای به تبیین و تحلیل نظرش درباره موضوع بحث‌انگیز «مردم‌شناسی یا انسان‌شناسی» می‌پردازد و با استناد به منابع معتبر و بهره‌گیری از آرای زبان‌شناسان معروفی مانند محمد علی فروغی، رضازاده شفق و ... به صورت استادانه‌ای این مبحث چالشی را مطرح و با شیوه‌ای کاملاً علمی، که از دیگر مهارت‌های بی‌بدلیل اوست، به تبیین و تحلیل آرای بزرگان این رشته می‌پردازد. سپس با صراحت نظرش را درباره دو اصطلاح فوق بیان می‌کند. از دیگر آثار بسیار ارزشمند او کتاب «جامعه ایلی در ایران» است. مؤلف در این کتاب با وجود حجم کم آن، با استفاده از منابع پُرشمار و نیز تجربه و سابقه پژوهشی چشمگیری که در این حوزه دارد، توانسته است اثری ماندگار تولید کند و در اختیار پژوهشگران قرار دهد. او همچنین تألیفات ارزشمند و ماندگاری در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، به ویژه در مجموعه شش‌جلدی «دانشنامه فرهنگ مردم ایران» دارد.

از جمله برجسته‌ترین کارهای علی بلوکباشی که در اواخر دهه هشتاد به چاپ رسید، بخش مربوط به «تهران» در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی است. بلوکباشی در این بخش مطول، با مهارت و ریزبینی خاص خود، شهر تهران را از ابعاد مختلف مورد مذاقه قرار داده است. با وجود اینکه تا آن زمان آثار متعددی درباره تهران منتشر شده بود، اما این نوشته به دلیل بهره‌گیری از دیدگاه‌های مردم‌شناسانه که تخصص اوست، رنگ و بوی خاص دیگری دارد.

او در این نوشتار با مهارتی که خاص خود اوست و در حجمی به نسبت محدود، توانسته است به گونه‌ای «تهران» را معرفی کند که هر نوع خواننده‌ای با هر گرایشی مجذوب آن شود و هر پرسشی درباره تهران را بی‌پاسخ نگذارد. او ابتدا با استناد به منابع معتبر پُرشمار از اوایل سده هفتم ه.ق. به معرفی دوازده محله تهران پیش از حصارکشی شاه طهماسب اول صفوی بر گرد آن می‌پردازد. سپس دلایل مختلف انتخاب این شهر به عنوان پایتخت در سال ۱۲۰۳ ه.ق. توسط آقا

محمدخان قاجار را بازگو می‌کند. شرح و بسط چگونگی گسترش تهران در دوران سلطنت شاهان قاجار با احداث بناهای بزرگ مذهبی، بازرگانی، بهداشتی و... و ایجاد سفارتخانه‌های کشورهای اروپایی از دیگر موضوعاتی است که در این نوشته به خوبی بیان شده است. معرفی محله‌های پنج‌گانه (سنگلج، چال میدان، عودلاجان و ...) و بازار تهران و چگونگی احداث و نام‌گذاری محلات و گذرها (لوطی‌صالح، علی‌رشتی، وزیردفتر و...) و حتی کوچه‌ها با نام اشخاص سرشناس (عباسعلی‌خان سرهنگ توپخانه درگذر قورخانه، میرزا حسن‌خان حکیم باشی در گذر افشارها در محله سنگلج و...) یا با نام مهاجران برخی از شهرهای ایران (کوچه کرمانی‌ها، قمی‌ها، عرب‌ها در گذر دباغ‌خانه و...) و یا به نام برخی از گروه‌های قومی (قرقانی‌ها، جمالوها، گندشلوها و...) که در سایر شهرهای ایران کمتر متداول است، و نیز پاتوق‌های مهم، تفرجگاه‌ها و... از جمله موضوعات جذاب دیگر در این بخش است. در سایر بخش‌های این نوشتار هر جا که ممکن بوده از ارائه اطلاعات آماری موجود غفلت نشده و حتی آمار جمعیتی محله‌های مختلف تهران در هر دوره، از چشم او پنهان نمانده است. شاید مهمترین و باارزش‌ترین قسمت این نوشتار به بخش «فرایند تحول و گسترش» جامعه ایران از آغاز پایتخت شدن تهران تاکنون به لحاظ ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مربوط باشد. بلوکبازی در این بخش، از زاویهٔ مردم‌شناسی به شرح و بسط سه مرحله متمایز (روستایی، شهری‌سنتی و شهری‌نوین) پرداخته است. او در همین قسمت به معرفی دسته‌هایی از ایلات و عشایر مختلف می‌پردازد که در پیرامون تهران زندگی می‌کردند و با مردم روستایی و کشاورز درون شهر ارتباط نزدیک داشتند و بر فرهنگ و سبک زندگی شهری تأثیرگذار بودند.

از نکات جالب توجه دیگر این نوشتار، بخش مربوط به «گذار از سنت به تجدد» است. در این بخش نیز بلوکبازی با بهره‌گیری از تحلیل‌های مردم‌شناختی، اندیشه‌نوگرایی را به بحث می‌گذارد و جامعه تهران را به عنوان نمونه بارزی از تحول یک جامعه کشاورزی سنتی ایستا به یک جامعه شهری سرمایه‌داری پویا به مفهوم نوین آن معرفی می‌کند. در همین راستا او به معرفی افراد بزرگی پرداخته که در ایجاد این تحولات نقش اساسی داشته‌اند. همچنین به بیان نقش تأسیس دارالفنون و اعزام اولین دانشجویان به اروپا برای کسب مهارت‌های لازم به منظور پیشبرد طرح توسعه تهران پرداخته و تقریباً از هیچیک از رویدادهای مهم و مؤثر در شکل‌گیری طرح توسعه کیفی و کمی تهران غافل نبوده است. او از تأسیس اولین کارخانه‌ها از

جمله کارخانه برق در رمضان ۱۲۹۶ توسط امین‌الملک گرفته تا تأمین آب سالم و خوراکی در دوره محمد شاه قاجار، و نیز تحولاتی که در بخش حمل و نقل پدید آمد و ورود اولین اتومبیل به ایران و تهران (۱۳۱۸ ه.ق.) که جایگزین گاری، درشکه و کالسکه شد ... و پیامدهای دیگر به خوبی سخن گفته است.

همچنین در اثر فوق بررسی و تحلیل ترکیب طبقاتی جامعه، ساختار جمعیتی تهران، ترکیب مذهبی و گروه‌های قومی از آغاز شکل‌گیری شهر، مانند ترکان قجر و افشار، ترکمن، عرب، فارس و گروه‌های دینی مختلف، اقلیت‌ها و گروه‌های محلی مهاجر شهرستانی ساکن در تهران نیز مورد توجه او بوده و علاوه بر آن، مبحث بسیار مهم فرهنگ مردم تهران در آن زمان، که برآمده از نظام کشاورزی-روستایی است، با بهره‌گیری از منابع مختلف مورد بحث قرار گرفته است.

ورود به موضوع جامعه شهرنشین ایران در دوره قاجار، به ویژه تهران با تفکیک جنسیتی مردانه و زنانه که با دقت و ظرافت خاصی مطرح شده از قسمت‌های جذاب و خواندنی دیگر این نوشتار است. موضوعات فرهنگی دیگر از جمله پوشاک، آرایش، و خالکوبی به عنوان آرایشی زنانه در دوره ناصری با هدف زیبایی و در قسمت‌هایی از بدن که قابل رؤیت عموم نباشند با هدف افزودن مهر شوهر، سپیدبختی، دور کردن چشم حسود و درمان برخی بیماری‌ها از مباحث شیرین دیگر در این نوشتار است. بلوکبشی علاوه بر معرفی دقیق گروه‌های شغلی-صنعی و رابطه شمار دکان‌های هر محله به نسبت شمار ساکنان و خانه‌های آن محله و نیز نوع حرف‌مشخص، که نمایانگر اوضاع اجتماعی است، همراه با ذکر آمار در جامعه تهران در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی، ریزبینی‌های خاص خود را به نمایش می‌گذارد. او از معرفی مراسم آئینی و مذهبی، که به مناسبت‌های مختلف در تهران برگزار می‌شد نیز کوتاهی نکرده و در مواردی آنها را با جزئیات و بر حسب صنف نیز شرح داده است.

معرفی و شرح گروه‌های دینی مختلف تهران (زرتشتی، کلیمی، ارمنی و...) و جایگاه اجتماعی-اقتصادی آنها و شغل‌های خاصی که داشتند و نیز وضعیت اجتماعی هر یک از اقشار خاص جامعه تهران مانند لوطی‌ها با ذکر مشخصات و پایگاه اجتماعی‌شان و نظام احراز هویت و چگونگی اعطای لقب و عنوان رسمی و غیر رسمی به اشخاص در گروه‌ها و قشرهای مختلف اجتماعی و مناصب در جامعه تهران در دوره قاجار که بسیار هم رواج داشته است و

بالاخره چگونگی گزینش نام خانوادگی در دوره پهلوی اول و ده‌ها موضوع جالب دیگر، که در اینجا مجال ورود به آنها نیست، از دیگر ویژگی‌های باارزش این اثر به‌یادماندنی است. در پایان می‌توان گفت که علی بلوکباشی بدون شک یکی از افتخارات جامعهٔ مردم‌شناسی کشور است. برایش طول عمر همراه با سلامتی آرزو می‌کنم.